

تیم ترجمه و ادیت آئویی سکای تقدیم میکند.

Uploader:

Lian

Translator:

Ciel

Editor:

Mika & Kiyomi

Director:

Lian

*Indulging a crazy beauty*

00: Aoi Sekai

هر  
روز  
گودتا

CAW  
CAW

CAW  
CAW  
CAW

پس کسی  
که راز رو فاش کرد...

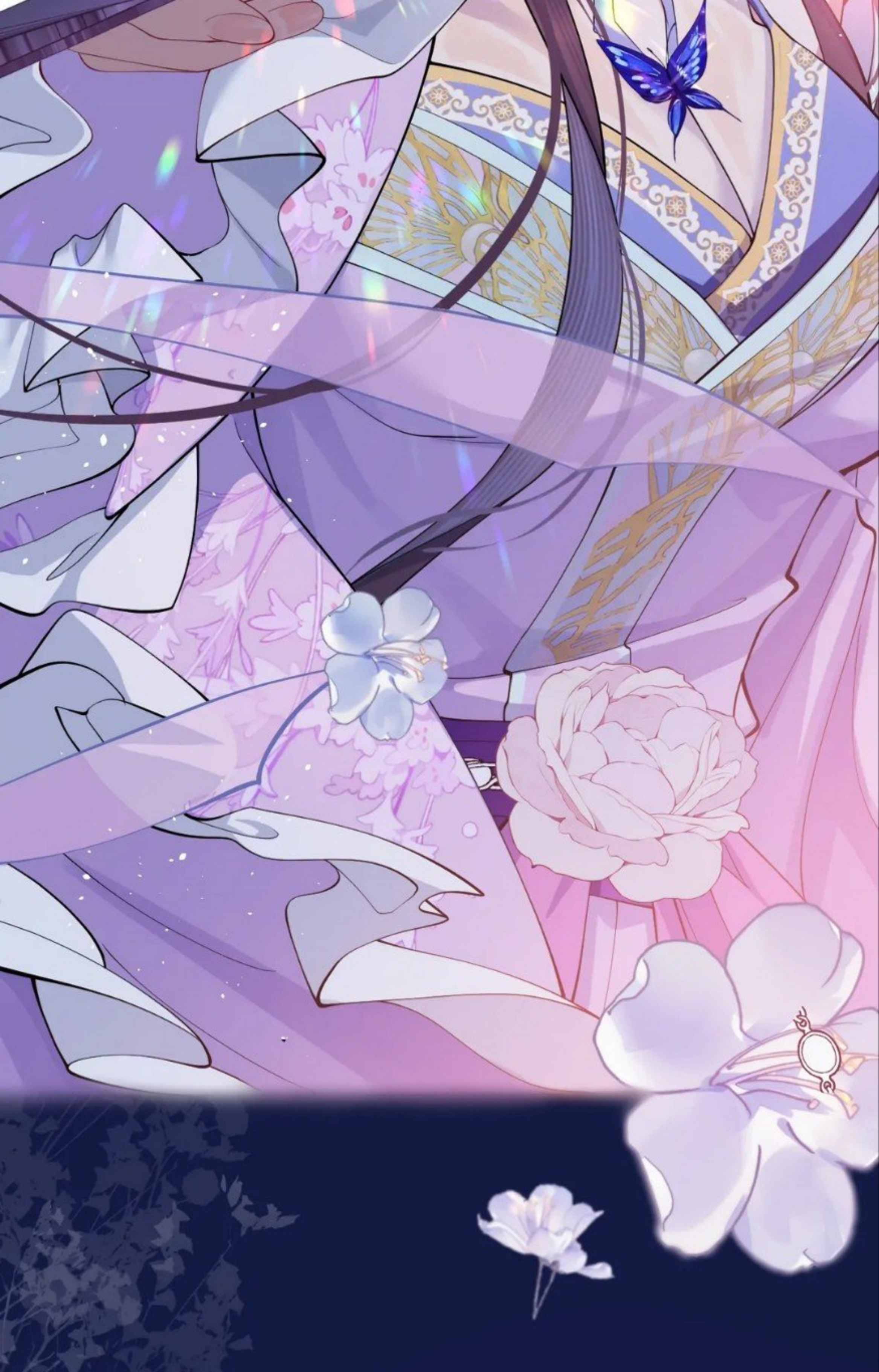
WOOOSH

RUST

تو بودی.

بایمن.

...



تنهامون بذارین،

من انتقام شاهزاده نهم  
رو می گیرم.

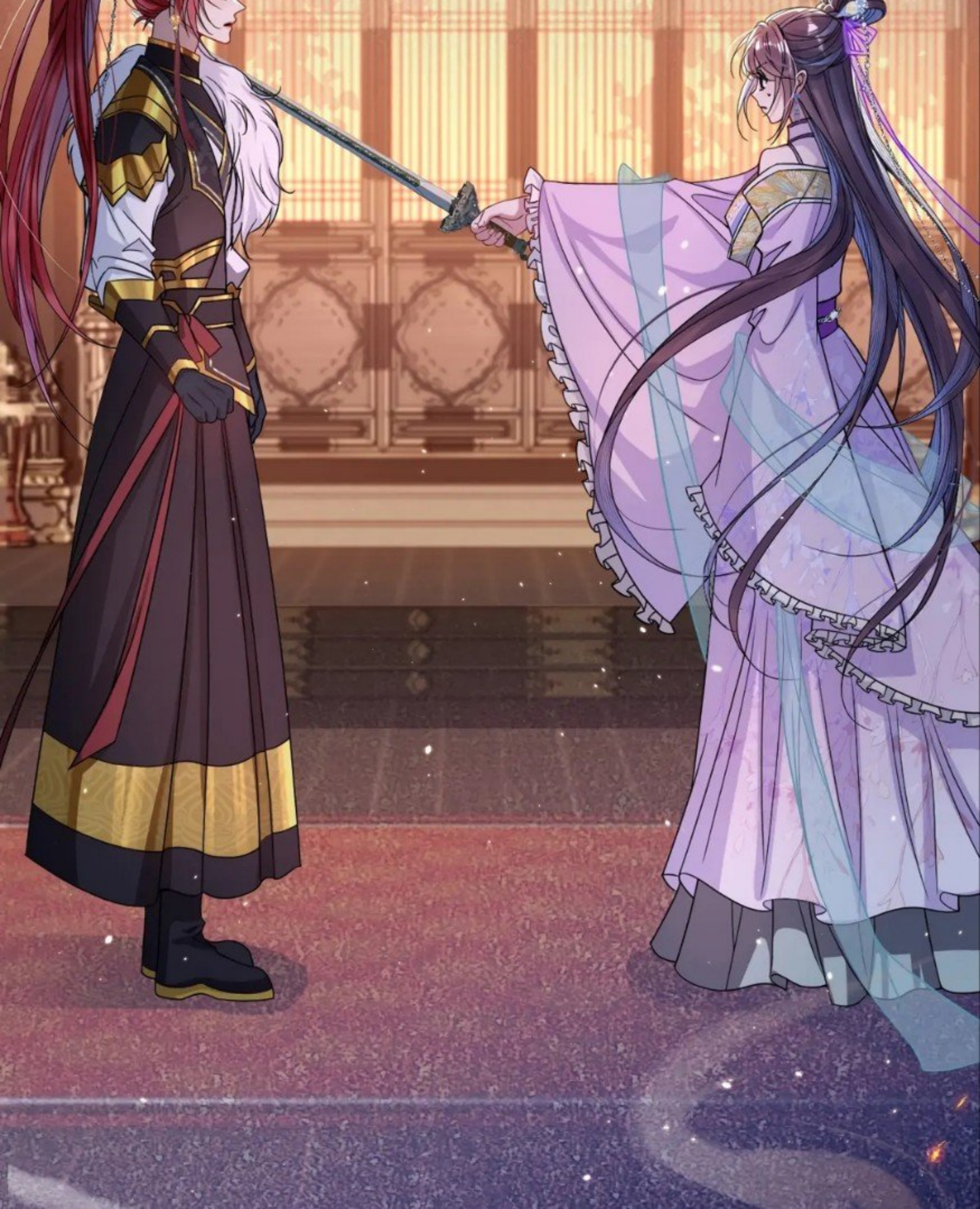
پلشم  
شاهزادنت!



واقعا می خوای  
من رو به خاطر اون شاهزاده  
بکشی؟

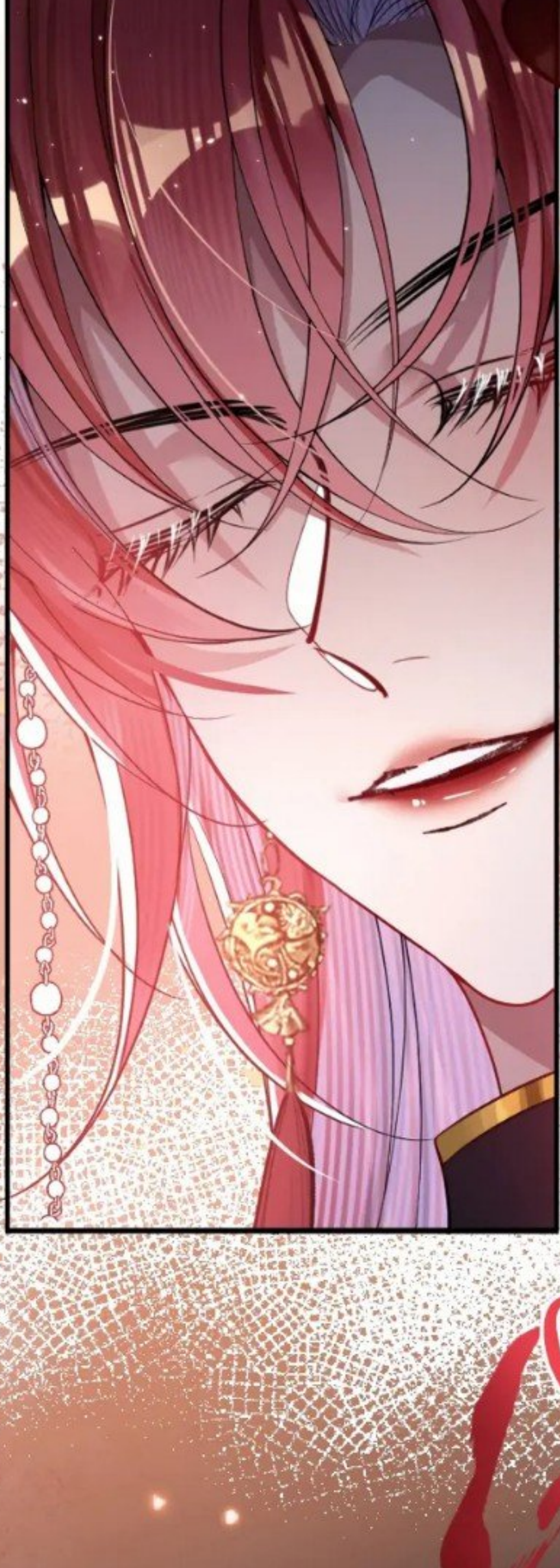


آره.

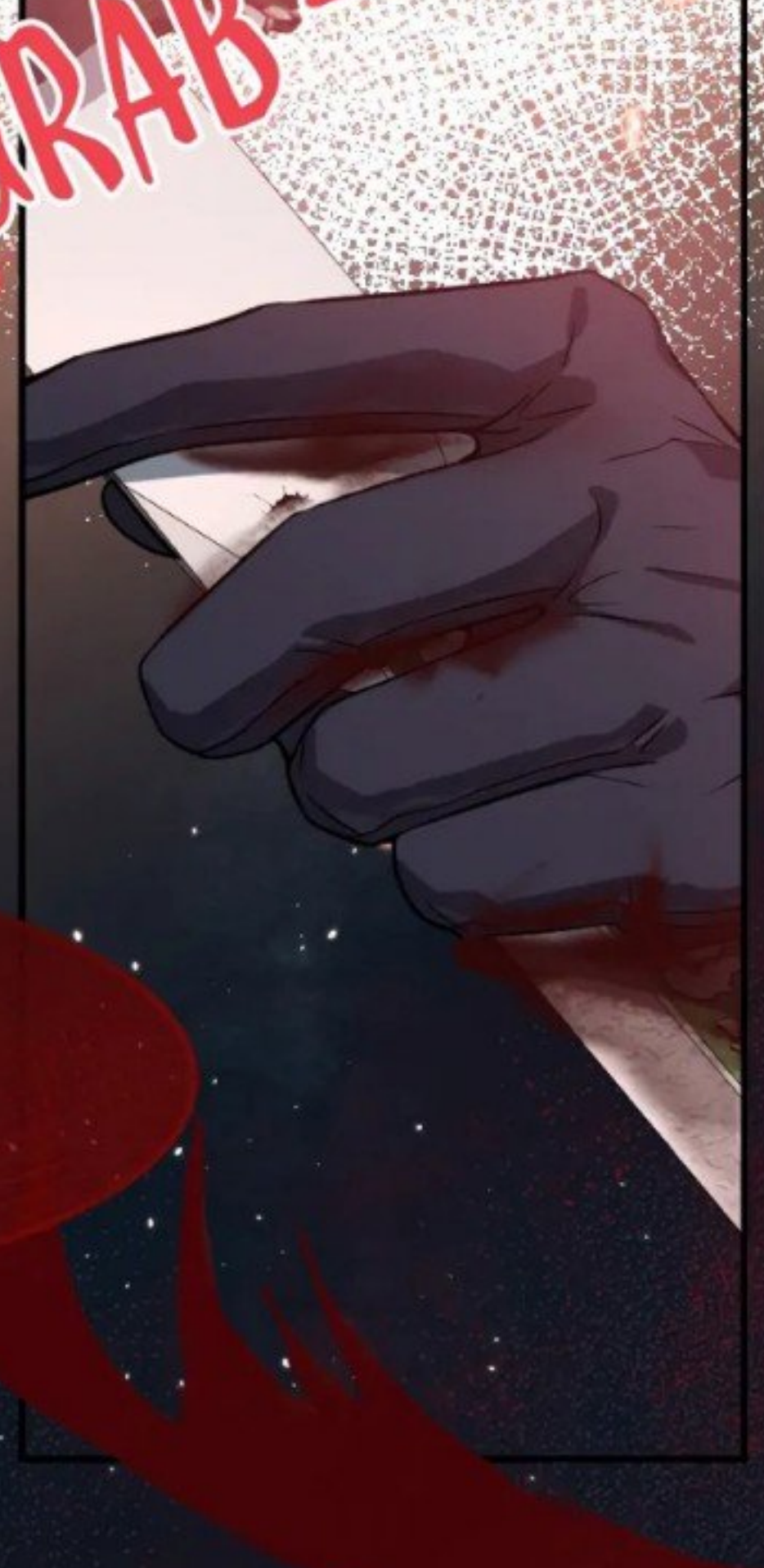




اینجا  
دیگه آخر خطه.



شاهدخت نهم،



GRAB

واقعا تو تحریک کردن،  
استادی.



ژورونگ؟!



زده به سرت؟!  
داری پیگار می کنی؟؟



بیشتر جیغ و داد  
کن.



صدای شاهدخت نهم واقعا دلنشینه.

ژو رونگ، تو غیر قابل تحمل ای!

RESTRAIN

هنوز می تونی مبارزه کنی، پس چرا انقدر راحت تسلیم شدی؟ چه نقشه ای تو سر ته؟

شاهدخت نهم از من می خوان تسلیم بشم.

کاری از تیم ترجمه و ادیت انیمه سگای ما رو فقط در کانال تلگرامی @AniSukai دنبال کنید

نمی تونم با ایشون مخالفت کنم...

ها... چی گفتی که انقدر تعریکش کرد؟؟

که انتقام شاهزاده نهم رو بگیری؟

اون تیکه آشغال  
ارزش این رو داره که دست‌هات  
رو بخاطرش کثیف کنی؟

بای‌من،  
واقعا می‌خوای من رو به خاطر  
اون بکشی؟

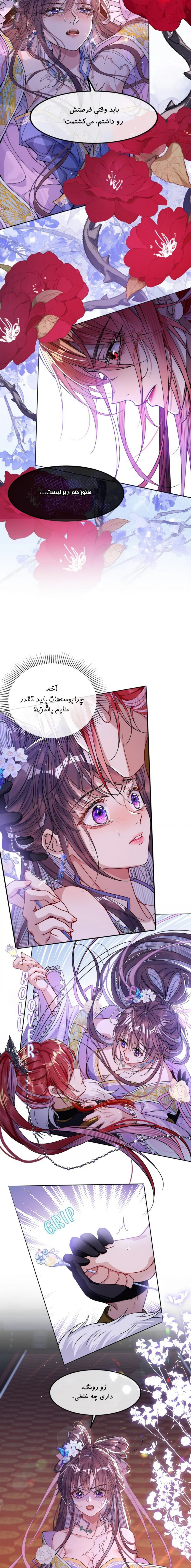


بدنت...

داره یه  
چیز دیگه رو می‌گه.



ژو رونگا!



باید وقتی فرصتش  
رو داشتیم، می کشتمت!

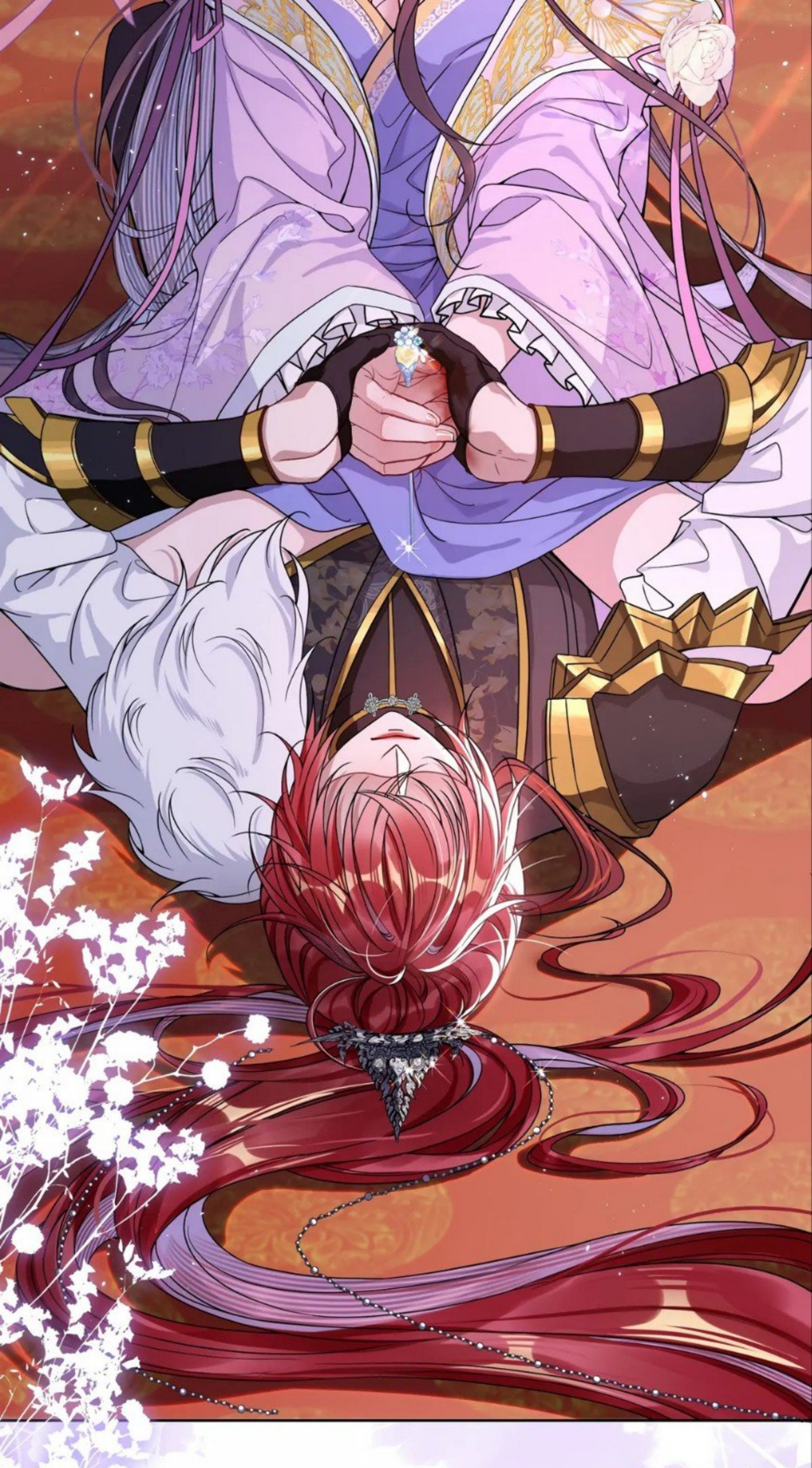
هنوز هم دیر نیست...

آخه،  
چرا پوسه‌ها باید انقدر  
ملایم باشن؟؟

LOVER

GRIP

ژو رونگ،  
داری چه غلطی-



دارم  
کمکت می‌کنم...



من رو بکشی.



ژو رونگ،  
تو کاملا دیوونه شدی!!!

بایمن، فکر کردن به تو،  
دیوونام کرده.

توی هر دو زندگی‌ام،  
تو تمام چیزی بودی که بهش فکر  
می‌کردم. نمی‌دونم چطور آرزو می‌کردم،  
توی بغلت بمیرم.



کاش می‌تونستم  
تا ابد برای خودم داشته باشمت.

حتی با اینکه هر دو تناسخ

یافته ایم...

چرا باز هم سرزنش من به درگیری های

تو من نشدنی ختم می شه؟



## CHAPTER 1

یه سال پیش: روز ازدواج بایمن و شاهزاده نهم

وقتش رسیده،

بفرستینش به حجله!



چه خبره؟!  
من همین الان توسط اون  
شاهزاده عوضی، دوگوییان مسموم  
سده بودم.

چطور  
هنوز هوشیارم؟

یعنی...  
این هم یکی از روش هاش برای  
شکنجه منه؟

PUSH DOWN

دست رو بکش!

شب عروسی،  
فقط شاهزاده نهم حق دارن  
تور رو از روی صورتت  
کنار بزنی!

شب عروسی ام؟

چطور ممکنه؟

نکنه... همه اون چیزهایی  
که تجربه کردم، مثل فلج شدنم به خاطر  
دوگو یان، شکستن پاهام و مسموم شدنم،  
همشس به خواب بوده؟

یا مثل افسانه‌ها،  
سرنوشت به من شانس دوباره‌ای داده  
تا اون کینه‌ی سنگینی که تو دلم  
بود رو صاف کنم؟

هر چی که هست،  
مهم اینه که هنوز زنده‌ام و  
حالم خوبه!

می‌تونم  
از اول شروع کنم.

این بار،  
اشتباهاتم رو تکرار  
نمی‌کنم، اجاره نمی‌دم کسی  
ازینم کنه!

سرورم، بعد از مراسم،  
تو دیگه شاهدخت نهم می‌شی.

لطفا درست رفتار کن  
و آبروی خاندان سلطنتی رو نبر.

پاتوان دربار  
هنوز هم همونطور هستن، گستاخ و  
بی‌تراکت.

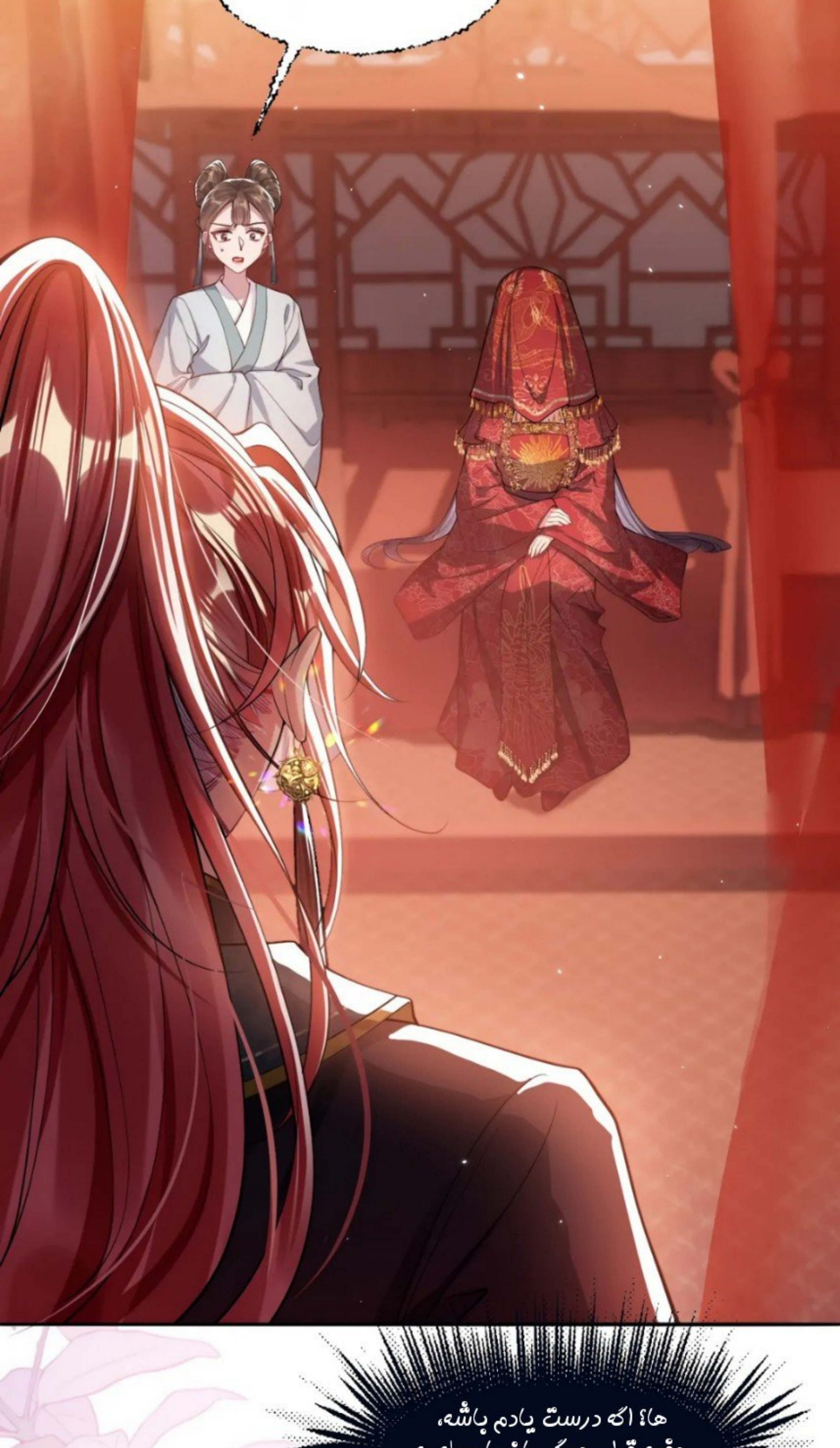
چنگ در مرزها بخرانیه،  
و دوگو یان خیلی وقته به قصر برنکشته، و  
هنوزم، این زن چرات می‌کنه برای من تعیین  
تکلیف کنه...

گوش کن، سرورم-

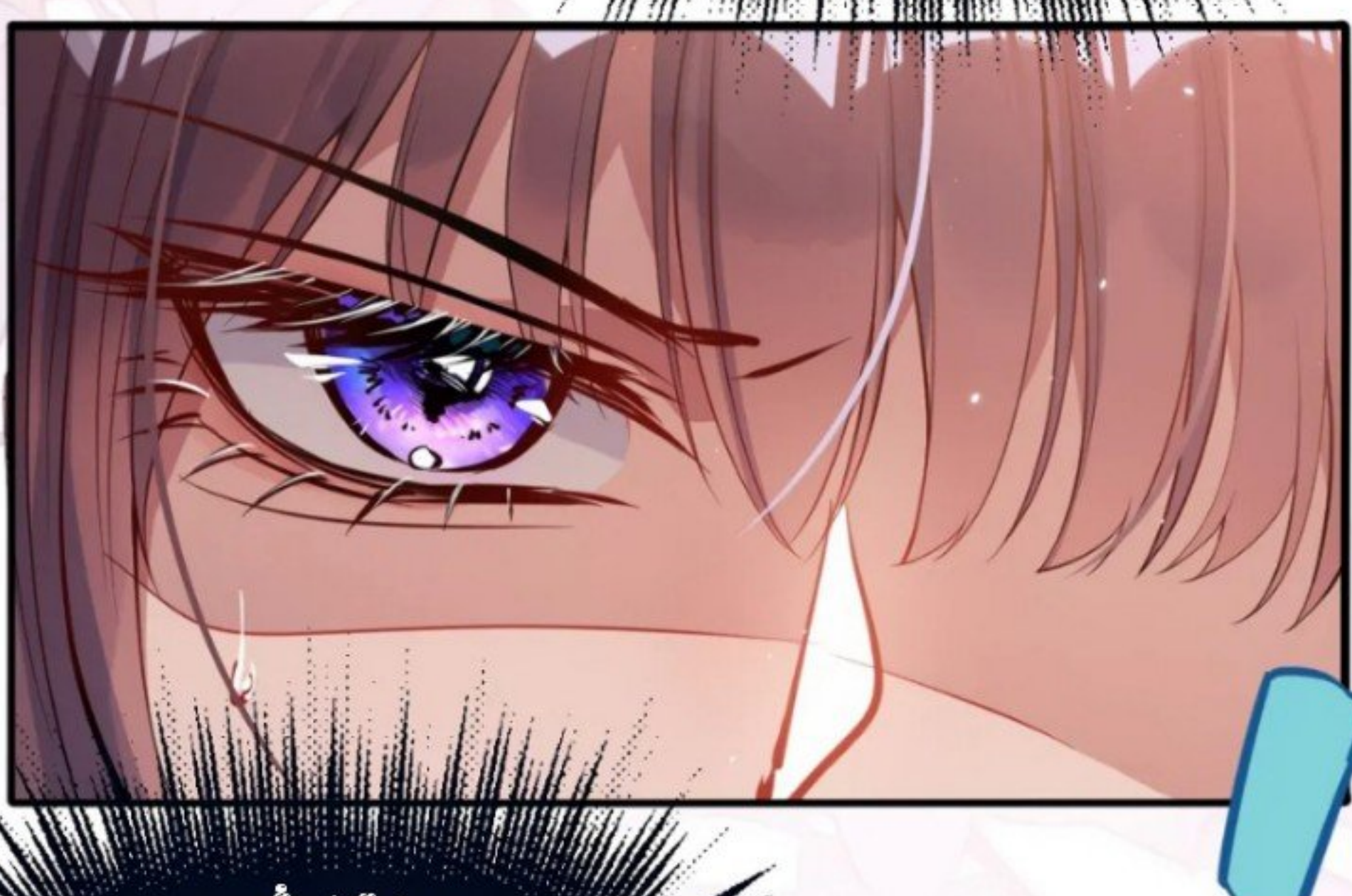


گمشو بیرون.

ج- چشم.



ها؟ اگه درست یادم باشه،  
دفعه قبیل، دو گو یان با عجله به  
میدان جنگ رفت،



و من تمام شب،  
توی این اتاق تنها نشستم... قرار  
نبرد هیچکس رو پیینم!

CRASH



پس کسی که الان وارد  
شد...

دقیقا کیه؟

...ادامه دارد

سلام

این فایل که هم اکنون خوندید،  
توسط تیم بزرگ تلگرامی

# Aoisekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما  
و بقیه افرادی که به مانهوا  
خوندن علاقه دارن آماده  
شده.

تیم آئویی سکای فقط و  
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،  
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسان های داخلی و  
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،  
بدونید بدون اجازه ی تیم ما گذاشته شده  
و این کار دزدی محسوب میشود و به  
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.  
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی  
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)